

## بررسی مواردی از نظام آوایی چندگوش مرکزی ایران

Sasan Sepanta

دکتر ساسان سپنتا، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

### Abstract:

One of the most crucial issues in linguistic studies is "dialectology". It is quite obvious that different dialects, because of their specific nature, deviate from the standard language, which because of geographical, political and economic reasons has been accepted as the norm. In the present essay, several Iranian dialects, such as "Meimeii", "Alviri", "Fareezand", "Gazi", "Vezvani" etc. have been considered for linguistic research. The present author, in order to reach conclusions, has tried to utilize distinctive features of consonants and vowels which lead to morphological and phonological limitations and has attempted to reveal their specific syllabic structures.

در بسیاری از روستاها هنوز گویش‌هایی باقی مانده است که ویژگی‌های آن با زبان معیار تفاوت دارد و می‌توان وجوه مختلف تفاوت آنها را در زمینه‌های: نظام آوایی، ساخت واژه، نحو و واژگان مورد تحلیل و بررسی قرارداد و با مطالعه نقش ساختاری آنها قواعد لازم را تنظیم کرد. از آن قبیل است طبقه‌بندی محدودیت‌های واجی و آوایی و بررسی نظام ساختاری آن، که می‌تواند زمینه‌ای برای مطالعه تحول‌گوشها نسبت به زبانهای دوره میانه و باستانی ایران فراهم آورد.

گوشه‌های مرکزی ایران حدفاصل بین گوشه‌های شمالی و گوشه‌های جنوبی (دسته غربی) می‌باشد و شامل گوشه‌هایی می‌شود که از نزدیکی قم تا حوالی یزد و کرمان و نزدیکی شیراز به آن تکلم می‌شود. در مقاله حاضر تعدادی از گوشه‌های مذکور از قبیل: میمه‌ای، الویر، فری‌زندگی، گزی، وزوانی، کوه‌پایه‌ای، گبری، جرقویه‌ای را بطور نمونه انتخاب کرده و بیشتر نکات نظام آوایی آنها را مورد بررسی قرار می‌دهم. لازم به ذکر است، آثار و رساله‌هایی که از بررسی بعضی گوشه‌های مذکور باقی مانده است، اکثر جنبه نوشتاری داشته و بیشتر به ذکر واژگان پرداخته‌اند و به جنبه‌های نظام آوایی آنها به ندرت اشاره شده است و آن اشاره‌ها اکثر در حد ذکر تقریبی صامت‌ها و مصوتها است. بدیهی است برای تحلیل مشخصات نظام آوایی گویش، دسترسی به پیکره زبانی خوب ضبط شده از آن گویش در درجه اول اهمیت قرار دارد. تعیین مشخصات تمایزدهنده صامتها و مصوتها، محدودیت‌های واجی و آوایی، تولیدهای نخستین و دومین، خنثی شدگی و تجزیه عوامل فوق زنجیره‌ای برجسته، فقط از طریق برقراری ارتباط دقیق با پیکره گفتاری گویشور امکان‌پذیر است. امتیازات یک پیکره مناسب بطور اجمال عبارتست از این که:

الف: اصول دستور زبان تجویزی در آن به فعل در نمی‌آید.

ب: از گوناگونی و تنوع لازم برخوردار است.

ج: بطور خودرو و فی‌البدیهه می‌باشد.

در تجزیه و تحلیل نظام آوایی پیکره‌های مذکور بجز وسایل معمول آزمایشگاهی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، در دهه اخیر استفاده از «رایانه» بیشتر مورد نظر قرار گرفته است. «وسیع‌ترین کاربرد «رایانه» در آزمایشگاه‌های زبان‌شناسی، استفاده از آن بمنزله «میکروسکوپ» گفتار است. «رایانه» بافت گفتاری را تقریباً مشابه ضبط صوت نواری «دیجیتال» ضبط و ذخیره و سپس پخش می‌سازد. دستگاه مذکور در مواقع لزوم موج صوتی ورودی میکرفن را با صافی‌های لازم پردازش و عرضه می‌دارد» (رواج، ۱۹۲۲)

## ساخت هجایی

بر حسب مطالعه گوشه‌های مرکزی، همان‌گونه که انتظار می‌رفت، ساخت هجایی برتر در آن گوشه‌ها از نوع هجای CV است که طبیعی‌ترین هجا بشمار می‌رود و بسآمد وقوع

هجاها به تدریج از طبیعی‌ترین به غیرطبیعی‌ترین روند نزولی گرایش حاصل می‌کند. رومن یاکوبسون (۱۹۴۱) چنین ذکر می‌کند: «CV تنها نوع هجایی است که در همه زبانها یافت می‌شود، بعلاوه این اولین هجایی است که کودک هنگام یادگیری زبان آن را فرامی‌گیرد، حتی در زبان‌هایی که انواع دیگر هجا وجود دارد، انواع دیگر هجا کمابیش نشان‌دار یا غیر طبیعی‌اند. هجای CVC اندکی غیر طبیعی است، هرچند که به‌وفور در زبان‌ها دیده می‌شود.» (هایمن، ۱۳۶۸)

در بررسی فرآیندهای واجی ملاحظه می‌شود که فرآیندهای مذکور در جهت طبیعی‌تر کردن هجاگرایش حاصل می‌کند. نوع سوم ساخت هجایی که در گویشهای مذکور ملاحظه می‌شود CVCC است. در مورد هجاهای CCVC در فارسی باستان، لازم به ذکر است که در گویشهای مذکور بر اثر قاعده ساده‌سازی، خوشه‌های صامت‌های آغازی تبدیل به ساخت هجایی طبیعی‌تر می‌شود:

$$\emptyset \longrightarrow V / \$C-C$$

مانند:

ریشه در فارسی باستان

grao-

واژه در گویش کوه‌پایه

gare (گره)

در بعضی گویشها مانند کوه‌پایه (در شرق اصفهان)، هرگاه سرعت گفتار گویشور از میزان بیش از معمول پیروی کند و به‌کندی نگراید، دو صامت آغاز واژه آنقدر در مجاورت هم نزدیک ادا می‌شوند که یادگاری از شیوه ادای دوران باستان را تداعی می‌کند، ولی به‌نگام گرایش به کندتر شدن سرعت گفتار مصوب شبه‌شوای میانجی<sup>۱</sup> بین خوشه صامت‌های آغازی ظاهر می‌شود.

$$\emptyset \longrightarrow a / \$C-C$$

به احتمال قوی این قبیل گویشها، هنوز در مراحل تحقق یافتن قواعد اضافه (یا حذف)

در روند طبیعی تر کردن ساختمان هجا هستند. میانگین امتداد هجاها در پیکره گویش مذکور حدود ۰/۱۷ ثانیه است که بطور متوسط شامل ۵ هجا در ثانیه می باشد.

آنگونه که شین می نویسد: «ما ساختمان هجایی CV را اساس قرار می دهیم. هرگونه فرآیندی که ساختمان هجایی پیچیده تری را به CV تخفیف دهد به ساختمان هجایی مرجح تر منجر می شود. برای مثال خوشه در صامت به یکی از سه صورت زیر در جهت ساده تر شدن گرایش دارد: ۱- یکی از صامت ها حذف می شود. ۲- یک مصوت بین دو صامت قرار می گیرد. ۳- دو صامت بهم پیوسته و بصورت یک قطعه (زنجیره) درمی آید.» (شین، ۱۹۷۳).

در فرآیندهای آوایی گویشهای مذکور ملاحظه می شود که گرایشهای تحول بیشتر در جهت نیل به هجاهای طبیعی می باشد. تناوب هجاهای مرجح خود می تواند باعث ایجاد نوعی وزن در گفتار بشمار آید. آندرسون گویند: «در ادای CV-CV-CV بنظر می رسد که وزن ادای گفتار در آن منعکس شده است و این به همان نسبت است که بسته بودن یا باز بودن اندامهای گفتاری در گفتار انعکاس یافته است.» (آندرسون، ۱۹۷۴)

## مشخصات واجی

بیشتر مصوت های گویشهای مرکزی با هم مشابهت دارند و مصوتهای اصلی آن اکثر مانند مصوت های فارسی معیار شامل شش مصوت می باشد که عبارت است از:

i-e-a-ä-o-u

در این بخش فقط به تفاوت های مصوت های گویش های مورد نظر با مصوت های فارسی معیار می پردازیم. مصوت [Ü] یا بصورت واج گونه یا بصورت واج در بسیاری از گویش های مرکزی وجود دارد. این مصوت بر حسب قواعد آوایی (یا کوبسون، فانت و هاله ۱۹۶۶) دارای مشخصاتی به قرار زیر است:

[ - فرونوا، - فشرده، + بملی شده، - تند + سخت ]<sup>۱</sup>

بر حسب مشخصه های چمسی و هاله (۱۹۶۸) مشخصات مصوت فوق چنین است:

[ - پسین، - پایین، + برخاسته، + گرد، + لبی، + سخت ]<sup>۲</sup>

و بر حسب مشخصات وانگ (۱۹۶۸) چند مشخصه به موارد سابق الذکر اضافه

می شود:

[ - متوسط، - کامی ]<sup>۲</sup>

در گویشهایی مانند: محمدآباد، اسفنداران (از جرقویه در جنوب شرقی اصفهان)، گرایش این واج به /U/ ملاحظه می شود ولی تلفظ آن در برخی گویش های دیگر جرقویه مانند نیک آباد (نیگ آباد قدیم) و حسن آباد به همان صورت اول است. در گویش نیک آباد که با فارسی معیار تمایز بیشتری دارد آن صوت بصورت مصوتی بکار می رود که واجد تمایز معنایی در تکواژ می باشد:

ku (کجاست) kü (بیرون)

du (دوغ) dü (دود)

در گویش اخیرالذکر a بصورت کوتاه و بلند a: تمایز معنایی حاصل می کند:

vare (بره) va:re (بند خاکی کوچک)

در مواردی که صامت /h/ حذف شود مانند فارسی معیار مصوت کوتاه مذکور دارای

امتداد می شود:

ša:r (شهر) šar (شر)

این فرآیند در گویش کوه پایه نیز بهمان صورت در مورد واج دیگر عمل می کند:

bo:ne (بهانه) bone (بته)

در فارسی معیار بجز صامت فوق حذف بست واج چاکنایی نیز باعث افزایش مصوت

ماقبل می گردد، مانند:

ba?d → ba:d

که کلمه اخیرالذکر با کلمه bad تولید تمایز معنایی می کند. برحسب سنجش آزمایشگاهی قبلی نگارنده مصوت a در واژه ba?d حدود ۰/۱۲ ثانیه امتداد دارد، در صورتی که پس از حذف همزه امتداد آن مصوت به ۰/۱۸ ثانیه افزایش حاصل می کند. در حقیقت ۰/۶ ثانیه مابه التفاوت امتداد مصوت در یافت گفتاری مورد سنجش نگارنده عامل ایجاد تمایز معنایی در واژه های فوق در زبان فارسی است، بدیهی است این امتداد نسبی

است و بستگی به سرعت گفتار گوینده دارد. (سپینتا ۱۳۵۳).

در توجیه مورد فوق لازم به ذکر است که واحد امتداد واجی حداقل در گستره کلمه آهنگین (قافیه یا سجع) موراث نامیده می شود. از آن نظر که امتداد زمانی، در تشکیل اجزاء آهنگین واژه (سجع یا قافیه) در ساخت واحدهای آغازی واژه نقشی ندارد. تلیل موراثی واژه شامل واژه های آغازین آن نمی شود، البته واحدهای آغازی اعتباری در «وزنه» هجا ندارد (هاک و مک کالی ۱۹۸۷) در مورد حذف واحد صوتی (واج) مربوطه جای آن با امتداد واج قبل از آن پر شده است.

در گویش خوری دو مصوت نیمه باز /ɔ/ و /ɛ/ که در فارسی معیار بصورت واج وجود ندارد باعث ایجاد تمایز معنایی می شود و جفت های کمینه تشکیل می دهند مانند:

seg (سنگ)	seg (شانه چوبی قدیمی)
fär (خواهر)	fär (خورشید)

تفاوت مصوت های مذکور از گویش خوری نقل شده با مشخصات چمסקی و هاله

۱۹۶۸ از این قرار است:

مشخصات مصوت /ɛ/	مشخصات مصوت /ɔ/
$\begin{bmatrix} - \text{افراشته} \\ - \text{افتاده} \\ + \text{سخت} \end{bmatrix}$	$\begin{bmatrix} - \text{افراشته} \\ - \text{افتاده} \\ - \text{سخت} \end{bmatrix}$

و مشخصه اضافی وانگ (۱۹۶۸) در مورد مصوت های مذکور چنین است:

مصوت /ɛ/	مصوت /ɔ/
$\begin{bmatrix} + \text{افراشته} \\ + \text{متوسط} \end{bmatrix}$	$\begin{bmatrix} - \text{افراشته} \\ + \text{متوسط} \end{bmatrix}$

مشخصه های  $\pm$  سخت [از دیدگاه چمסקی و هاله و  $\pm$  افراشته] از دیدگاه وانگ در

گویش خوری عامل معتبر تمایز در جفت های کمینه مزبور در آن گویش بشمار می رود.

در گویش زیر (الویر) حالات مؤنث و مذکر از زبانهای باستانی ایران هنوز بجای مانده

و مورد استفاده گویشوران است. حالات مذکور از زبان ایرانی باستانی به فارسی باستان و اوستایی رسیده و اکنون در آن گویش هست.

در گویش «الویر» (از روستاهای خرقان واقع در شمال غربی ساوه) علاوه بر مصوت‌های سابق‌الذکر زبان فارسی معیار دو مصوت /ö/ و /ü/ ملاحظه می‌شود، از مشخصات جالب این گویش حفظ جنس (مذکر - مؤنث) در اسامی، در سوم شخص مفرد، ضمائر شخصی و اشاره، در صفات و در افعال است. در این گویش در گروه اسمی ستاک از نظر نقش‌های نحوی (فاعلی و مفعولی) تفاوتی ندارند ولی از نظر جنس و شمار از یکدیگر متمایز هستند، علامت تأنیث /a/ و /ya/ است که به آخر کلمات مؤنث اضافه می‌شود. گروهی از حیوانات برای جنس مذکر و مؤنث دو کلمه جداگانه دارند. اسامی مختوم به /o/ اگر یک هجایی باشد، مؤنث است مگر ذاتاً مذکر باشد. مانند go (گاو) و بیش از یک هجا مذکر محسوب می‌شوند. در بین اسامی مختوم به /ä/ اسامی مؤنث نیز هست مانند:

(کلاه) rä, vä (راه)، اسامی مختوم به /a/ مؤنث هستند مانند: sanga (سنگ)، oka (آب)،

صفات از نظر جنس با موصوف خود مطابقت دارد مانند:

am bäqe pilla (این باغ بزرگ است).

am a kenaka naškeya (این دختر زیبا است)

یا کوبسون، فانت و هاله اظهار می‌دارند (۱۹۵۲): «هر تمایز کمینه‌ای که بوسیله پیام حمل می‌شود، شنونده را با یک موقعیت دو انتخابی روبرو می‌سازد، یعنی شنونده مجبور به انتخاب یکی از دو متضاد است، حضور یک مشخصه در علامت گفتاری در مقابل غیبت آن. بنابر این اصل دو ارزشی وسیله‌ای است برای مفهوم بخشیدن به کار شنونده که باید درباره آنچه می‌شنود تصمیم بگیرد.» (هایمن، ۱۳۶۸)

در مورد مصوت‌های مرکب لازم به ذکر است که در بیشتر گویشهای مرکزی ایران مصوت مرکب OW وجود دارد مانند XOW (خواب) در گویش میمه و MOW (مو) و SOWZ (سبز) در گویش وزوان، مصوت مرکب əw در گویش جرقویه وزوان در کلماتی مانند:

əwt? (ابر) وجود دارد.

گویش گبری (بزد و کرمان) که مربوط به زردشتیان است در سالهای اخیر به شیوه گفتار زبان معیار نزدیک شده است اولین مطالعه در مورد این گویش حدود هشتاد سال پیش

توسط کلنل لوری مرکنسول انگلیس در کرمان انجام گرفت. او ذکر می‌کند که در گویش یزد گرایش به تلفظ w و در کرمان گرایش به تلفظ v غالب است و کلمات wo بمعنی آب درگیری کرمان vo است و درگیری کرمان کلمه šīr (لبین) و šūr (اسد) به اینصورت به کار می‌رفته است.

## صامت‌ها

وجه افتراقی بین صامت‌های گویشهای مرکزی ایران و فارسی معیار ملاحظه می‌شود، «لوری مر» در ۱۹۱۴ ملاحظه کرده است که صامت X<sup>v</sup> در آن زمان در گویش‌گیری معمول بوده است. (لوری مر ۱۹۱۶). این صامت یادگار \*h<sup>w</sup> ایرانی باستان و X<sup>v</sup> اوستایی است.

بسامد وقوع واج /z/ در گویشهای مرکزی کم است و در گویش میمه وجود ندارد، در بسیاری موارد واژه‌های دخیل که دارای آن واج بوده‌اند، واج مذکور در آنها به ج بدل شده است. صامت‌های مرکب گویش‌گری مانند شیوه تلفظ اصفهان بصورت dz و ts تلفظ می‌شود. تلفظ این دو واج را حمزه اصفهانی خاص فارسی دانسته است. (صادقی ۱۳۵۷)

z- های آغازی اوستایی در بعضی گویش‌های مرکزی باقی مانده است مانند:

zumäd (داماد) در گویش وزوان (جنوب میمه)، از اوستایی zämätar، همین واژه در نیک آباد (جرقویه) zummä تلفظ می‌شود.

v- های آغازی اوستایی در بعضی گویش‌های مرکزی مانند میمه باقی مانده است:

میمه‌ای	اوستایی
varg	vehrka (گرگ)
varf	varfa (برف)
väd	فارسی باستان
	väta (باد)

h- های آغازی فارسی باستان در برخی گویش‌ها ملاحظه می‌شود:

میمه‌ای و فریزندی	فارسی باستان
hošk	huška (خشک)



– اهای آغازی زبانهای باستانی در برخی گویشها هست:

میمه‌ای – فریزندی	هندی باستان
lū (روباه)	lōpāça- (روباه)
گری	
lu (شغال)	
جرقویه (نیک آباد)	
luba: (روباه)	

– yهای آغازی اوستایی نیز در برخی گویشها باقی مانده است:

کوه‌پایه – میمه – وزوان	اوستایی
Ye	Yava (جو)

## عناصر نوایی<sup>۶</sup>

عناصر نوایی به مباحث: تکیه، آهنگ، تداوم و نواخت که بصورت فوق زنجیره گفتار است مربوط می‌شود. عناصر سابق‌الذکر به عنوان مشخصه‌های اصلی هر گویش بشمار می‌آید. واضح‌ترین عامل معرفی گویشور عناصر نوایی آن است.

عناصر نوایی در دریافت پیام تا به آن حد مهم است که اگر آنها را با وسایل فنی از پیام جدا سازیم، پذیرش و درک پیام دچار محدودیت و اختلال خواهد شد.

عامل اصلی ایجاد قوسهای عناصر نوایی ارتفاع صوت است که تحلیل آن هم در زبان‌های نواختی و هم در زبان‌های آهنگین تا حدی پیچیده است. تکیه نیز یکی از عوامل عناصر نوایی بشمار می‌رود. تکیه در زبان فارسی و گویش‌های مورد بحث از نوع تکیه ارتفاع است که بر اثر زیرشدن صوت در محدوده معینی بر مصوت‌های تکیه‌دار حاصل می‌شود و می‌تواند نوعی «نواخت» تلقی گردد. هایمن گوید: «زبان‌های تکیه ارتفاعی نیز نواخت‌دار هستند، زیرا مشخصه‌ای که به هجا تخصیص می‌یابد «نواخت» است، و نیز این نواخت می‌تواند با نواخت دیگر در موضع واحد تقابل ایجاد کند.» (هایمن، ۱۳۶۸)

بررسی عناصر نوایی گویش‌ها مستلزم در دست داشتن پیکره گویشی خوب ضبط شده است و تحلیل آن مستلزم قدرت شنیداری ممیز و کاربرد دستگاههای دقیق

آزمایشگاهی است. در رساله‌های مربوط به گویش‌های ایران در این مقوله کمتر بحث بمیان آمده است.

تکیه در برخی گویش‌های مرکزی ایران با اندک تفاوتی مانند تکیه در زبان فارسی معیار است ولی در برخی گویش‌ها مانند گویش میمه‌ای تکیه در اسم و صفت و ضمیر و عدد و حروف بر هجای نخستین واقع می‌شود مانند: 'vadum (بادام) 'deraxt (درخت)، در صفت مفعولی تکیه بر هجای پایانی است: xär'da (خورده شده) و اسم بدون نشانه ندا در حالت منادی تکیه را بر هجای پایانی خود می‌پذیرد: dä'dä (ای خواهر) در فعل، پیشوندهای اشتقاقی مانند: امر، نهی، وجهی و نفی تکیه می‌پذیرد: 'vämtä (گندم) 'beše (برو). در فعل‌های ماضی نقلی تکیه روی ستاک قرار دارد و در ماضی ساده تکیه روی پیشوند است مانند: ماضی نقلی bes'oton (سوخته‌ام)، گذشته ساده bes'oton (سوختم) در برخی دیگر از گویش‌های ایران تغییر موضع تکیه، فعل را از حالت گذشته ساده به ماضی نقلی تبدیل می‌کند. در لهجه یزد و برخی گویش‌های مجاور نیز تکیه بویژه در اسم و صفت بر هجای نخستین قرار می‌گیرد. در مورد فوق قاعده موضع تکیه بقرار زیر است.

\$ - | / ## - | + تکیه

در تحلیل‌های زایشی تکیه در موارد فوق، چون به‌عنوان یک خصیصه قطعه‌هجایی تلقی می‌شود، می‌توان قاعده را بصورت زیر نوشت:

V → | + تکیه

در گویش نیک‌آباد (جرقویه) تکیه مشابهتی با گویش میمه دارد و در افعال امر و نهی و مثبت و منفی بیشتر بر هجای اول واقع می‌شود. در فعل‌های ماضی نقلی تکیه بر هجای دوم قرار می‌گیرد و در ماضی ساده بر هجای اول واقع می‌شود و از این نظر با گویش میمه مشابهت دارد.

ماضی ساده bes'oteyon (سوختم). ماضی نقلی bes'o:teyon

در لهجه پیشین اصفهان sütc بهمان معنای سوختن نقل شده است. (تفضلی، ۱۳۵۰) در صورتی که اسم در حالت ندایی باشد (بدون نشانه ندا) تکیه را بر هجای پایانی

می‌پذیرد و از این نظر نیز گویش نیک‌آباد با گویش میمه مشابهت دارد: po're (پسر)، jin'zi (زن) که هر دو در حالت ندایی است.

ماهیت تکیه در گویش‌های میمه و جرقویه برحسب سنجش‌های آزمایشگاهی نگارنده با برخاستگی بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ سنت<sup>۶</sup> محاسبه گردیده است. در مثال شماره یک، طیف نگاشته دو کلمه: 'besoteyon (گذشته ساده) و be'so:teyon (ماضی نقلی) در گویش نیک‌آباد (جرقویه) ثبت و مورد تجزیه قرار گرفته است.

TYPE 2225 SONAR-DAN • RAY ELECTRONICS CO. PINE BROOK, N. J.



مثال شماره ۱ (طیف نگاشته)

در واژه فوق بصورت گذشته ساده تکیه بر هجای اول است:

مصوت	e	امتداد	۰/۱ ثانیه
مصوت	s	امتداد	۰/۰۳ ثانیه
مصوت	o	امتداد	۰/۰۷ ثانیه
مصوت	e	امتداد	۰/۰۲ ثانیه
مصوت	o (در آخر واژه)	امتداد	۰/۱۳ ثانیه

در واژه سابق‌الذکر بصورت ماضی نقلی، تکیه بر هجای دوم است.

صامت	c	امتداد	۰/۱ ثانیه
صامت	s	امتداد	۰/۱۶ ثانیه

صامت	o	امتداد	۰/۱۵ ثانیه
صامت	e	امتداد	۰/۲ ثانیه
صامت	o (در آخر واژه)	امتداد	۰/۱ ثانیه

در هجای آخر کلمه اخیرالذکر قوس افتان سازه‌های مصوت آخر<sup>۱</sup> ملاحظه می‌شود. مصوت تکیه‌دار هجای دوم کلمه ماضی نقلی بر اثر تکیه دزای حدود دو برابر امتداد همان مصوت در کلمه ماضی ساده است. صامت /s/ نیز در آغاز هجای تکیه‌دار واژه اخیرالذکر (ماضی نقلی) از ۰/۱۳ ثانیه امتداد بیشتر نسبت به واژه در گذشته ساده برخوردار شده است.

در مثال شماره ۲، آوا نگاشته دو کلمه از همان گویش (نیک‌آباد) در حالت ندایی و ندایی دوررس بدون حرف ندا ملاحظه می‌شود. منظور از ندایی دوررس در حالی است که مخاطب را از راه دور صدا می‌کنند و در انتظار ارائه پاسخ او هستند. کلمات ثبت شده عبارت است از: po're (پسر در حالت ندایی) و jin'zi (زن در حالت ندایی دوررس). مشخصات فنی طیف نگاشته اخیر مانند طیف نگاشته شماره یک با محدوده فرکانس ۸۰۰۰-۸۰ هرتز و انتخاب باند (باریک) بوده است.

TYPE 0/8E OOHAGRAM © RAY ELECTRONIC CO. PINE BROOK, N. J.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



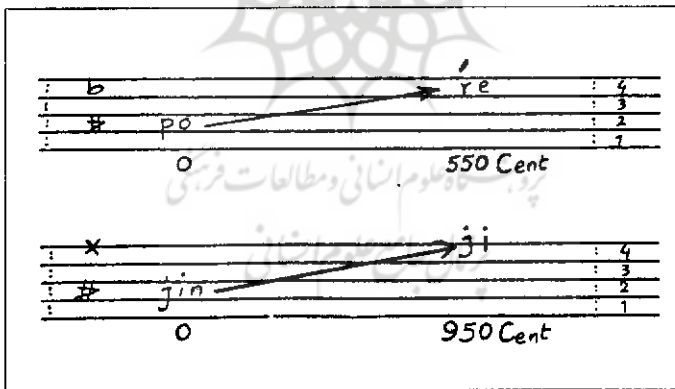
مثال شماره ۲ (طیف نگاشته)

در واژه اول: مصوت o (در هجای اول) دزای امتداد ۰/۱ ثانیه است.

مصوت e (در هجای دوم) دارای امتداد ۰/۵ ثانیه است. (هجای تکیه‌دار)  
 در واژه دوم: مصوت i (در هجای اول) دارای امتداد ۰/۱۲ ثانیه است.  
 مصوت i (در هجای دوم) دارای امتداد ۰/۴ ثانیه است.

در کلمه اول حالت ندایی، هجای دوم آن کلمه حدود ۵۵۰ سنت افزایش یافته است و قوس صعودی را نشان می‌دهد. در همین حال مصوت هجای باز پایانی نسبت به مصوت هجای اول ۰/۴ ثانیه افزایش یافته است.

در کلمه دوم حالت ندایی دوررس روند صعودی آهنگ از مصوت هجای اول به مصوت هجای باز پایانی کلمه بطور متوسط حدود ۹۵۰ سنت قوس خیزانی طی می‌کند و امتداد مصوت پایانی تا حدود ۳۰ درصد امتداد قبلی افزایش یافته است. مثال شماره ۳ نمودار مدارج دو واژه فوق را نشان می‌دهد.



مثال شماره ۳

در مورد نتایج حاصله در تجزیه موارد اخیرالذکر لازم به ذکر است که نگارنده این الگوی صوتی حالت ندایی دوررس را حدود چهار دهه قبل در بافت گفتاری لهجه اصفهان استماع نموده بودم. همان الگو را نیز در بافت زبان انگلیسی (بویژه انگلیسی آمریکایی) در منادای دوررس شنیده بودم و نوار ضبط شده هر دو را نیز در اختیار دارم. بر اثر وجوه

مقایسه‌ای که نگارنده انجام داده‌ام، ملاحظه می‌شود که برخی از الگوهای مورد استفاده عناصر ندایی (مانند آنچه نگارنده یافته‌ام) از نوعی جهانی‌های تلویحی<sup>۹</sup> تبعیت می‌کند.

## توضیحات

- ۱- ضبط و تجزیه و بررسی‌های آزمایشگاهی موارد مقاله از نگارنده است.
- ۲- بافت‌های مورد استفاده گویش‌ها توسط دانشجویان علاقمند در محل روستاهای مربوط تهیه و بر نوار ضبط شده است.
- ۳- براساس واحد سنت، یک پرده گام تعدیل یافته یوهان سباستیان باخ به ۲۰۰ سنت تقسیم می‌شود.
- ۴- حرکت صعودی روی پنج خط (در مثال شماره ۳) نشانه زیر شدن صوت و بالا رفتن فرکانس صوت است.
- ۵- فهرست نشانه‌ها:

∅	صفر یا نبودن صدا	# (شُری) افزایش حدود ۳۰ تا ۵۰+ سنت
\$	مرز هجا	b (بمل) برابر ۱۰۰- سنت
##	مرز واژه	x (دیز دو تایی) برابر ۲۰۰+ سنت
^	موضع تکیه	v مصوت
*	بازسازی تاریخی	c صامت

## گزیده مراجع

- تفضلی، احمد. «اطلاعاتی درباره لهجه پیشین اصفهان» نامه مینوی، تهران ۱۳۵۰.
- سپینتا، ساسان. «بررسی در امتداد واج‌های زبان فارسی»، مجموعه مقالات کنگره تحقیقات ایرانی، ج ۱، شیراز ۱۳۵۳.
- صادقی، علی اشرف، تکوین زبان فارسی، دانشگاه آزاد ایران، تهران ۱۳۵۷.
- هایمن، لاری. ام. ترجمه دکتر یدالله... ثمره، نظام آوایی زبان، تهران ۱۳۶۸.

Anderson, S.R., The Organization of Phonology, U.S.A, 1974.

Hogg, R, and McCully, C.B., Metrical Phonology, Cambridge, 1987.

Ladd, D.R., Intonational Phonology., Cambridge, 1996.

Lorimer, D.L.R., Notes on the Gabri Dialect of Modern Persian, London, 1916.

Roach, Peter, (ed.), Computing in Linguistics and Phonetics, London, 1992.

Schane, Stanford, A. Generative Phonology, U.S.A. 1973.

پی‌نوشت‌ها:

1. Schwa
2. Grave, Compact, Flat, Sharp, Tense
3. Back, Low, High, Round, Labial, Tense
4. Mid, Platal.
5. Morae
6. Prosodic Features
7. Cent
8. Formants
9. Implicational Universals



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی